بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه13...1/7/1399

( فصل فی ما یعفی عنه فی الصلاة - آیا عفو ثوب مربیه فقط شامل بول است یا نه ؟ - اقوال و دلیل و اشکالات آن )

مساله ۴ : آیا عفو اختصاص به بول دارد یا سایر نجاسات را هم شامل میشود؟ مثلا ثوب مربیه به خون کودک نجس شد دراینجا دو فتوی است :

√ فتوای اول :مرحوم محقق و صاحب شرایع و محقق اول که فتوا به تعمیم دادند و سه دلیل دارند :

دلیل اول : قاعده اشتراک در علت است یعنی علت معفو بودن ثوب مربیه در نماز مشقت است این علت هم ثوب مربیه که بولی شود یا خونی شود مشترک است خداوند به مربیه ارفاق کرد این ارفاق و تسهیل مشترک است

توضیح قاعده تنقیح مناط :

قاعده اشتراک در علت را تنقیح مناط میگویند از دیدگاه اصولی و فقیه تنقیح مناط همان قیاس است چون قیاس همان اشتراک در علت است مقیس علیه با مقیس مشترک در علت است مثل مرحوم حدائق و شیخ حر عاملی در کتاب الاصول المهمه ج ۱ص۵۳۰ ایشان میگوید مطلقا قیاس باطل است چه در قالب قیاس اولویت یا تنقیح مناط باشد باطل است این را اخباریها میگویند

اما در مقابل تنقیح مناط قیاس اولویت قطعیه است که به آن مفهوم اولویت میگویند اگر ما حکمی را از یک علتی استنباط کنیم که خود علت هم علت مستنبطه است و جای پایی در نص یا عرف یا اجماع یا سیاق متشرعه ندارد این را قیاس مستنبط العله میگویند که حجت نیست اما اگر علت از روی استنباط ظنی نبود بلکه قطعی است هم اجماع است و گاهی روایت است مثل همین عسر و حرج این لباس از نظر اصولیین حجت است

دلیل دوم :روایت ابی حفص است که در آن خصوص بول است اما به دو دلیل دلالت روایت را تعمیم دادند :

یک :لاجل الغلبة الابتلاء به اگر در حدیث اشاره به بول شد برای این است که غالبا لباس مربیه بولی میشود و‌ آلوده به غائط و خون هم میشود لذا ما میتوانیم بگوییم بول دراین روایت خصوصیتی ندارد

دوم : للاستهجان بذکر الغائط اگر امام نام ان را نبرد چون قبیح است

دلیل سوم مرحوم محقق در جامع المقاصد : که گاهی اسم بول را میبرند و کنایه به سایر نجاسات میزنند به خصوص که تصریح به آن نجاست قبیح است آنگاه میگوید قاعده لسان العرب این است که با کنایه حرف میزنند

√ فتوای دوم :مرحوم صاحب جواهر و اقای خویی و اکثر و هو المختار :عدم تعمیم است دلیل :

اولا :نص یعنی روایت ابی حفص فقط نام بول را آورده

ثانیا :اگر نام بول کنایی است لازمه ان این است که استعمال بول مجاز باشد چون استعمال در غیر ماوضع له مجاز است و مجاز نیازمند قرینه است و در روایت قرینه ای نیامده

ثالثا : قاعده اشتراک ممنوع است چون قطع به اشتراک نداریم خصوصا به خاطر کثرت ثوب مربیه به بول و تکرر آن و اینکه تکرر در غائط نیست